



تأثیر آموزش فلسفه بر باورهای فراشناختی، تفکر انتقادی و خودکارآمدی دانش آموزان ابتدایی

مهسا اولادیان^۱، آرزو نجائیان*^۲

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران

۲- نویسنده مسئول: استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران.

چکیده

امروزه مدارس در کنار انتقال دانش اهمیت زیادی برای آموختن و یادگیری تفکر به دانش آموزان قائل هستند؛ بنابراین هدف از اجرای این پژوهش، بررسی تأثیر آموزش فلسفه بر باورهای فراشناختی، تفکر انتقادی و خودکارآمدی دانش آموزان ابتدایی بود. پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان ابتدایی مدارس دولتی شهر همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند. حجم نمونه پژوهش ۶۲ نفر بود که از طریق نمونه گیری خوشه‌ای انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر کدام ۳۱ نفر) جایگزین شدند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه باورهای فراشناختی ولز و کاترایت-هاتون (۲۰۰۴)، آزمون سنجش تفکر انتقادی ساسو (۲۰۱۳) و مقیاس خودکارآمدی شرر و همکاران (۱۹۸۲) بود. آموزش فلسفه در ۱۲ جلسه بر روی گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس در قالب نرم‌افزار SPSS22 استفاده شد. نتایج نشان داد که آموزش فلسفه بر باورهای فراشناختی، تفکر انتقادی و خودکارآمدی دانش آموزان اثر معناداری داشت ($p < 0/01$). با توجه به نتایج، آموزش فلسفه به کودکان می‌تواند بر ظرفیت شناختی و فراشناختی کودکان موثر باشد بنابراین پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آموزشی کودکان بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تفکر انتقادی، خودکارآمدی، باورهای فراشناختی، آموزش فلسفه